

عنوان مستند آموزشی: روش آسان برای نگارش بی نقص مقدمه مقاله اورجینال

نویسنده: دکترمهرداد جلالیان

وبسایت: <http://www.DrMehrdad.com>, ایمیل: drjalalian@yahoo.com

تاریخ انتشار: 29 تیرماه 1393

تاریخ آخرین بازبینی: 9 مرداد 1393

توسط ویراستار انگلیسی الاصل نشریه پزشکی الکترونیک
بهراه ارائه سر تیغیگیت ادیت انگلیسی

ویرایش انگلیسی الاصل

(American / British)

مورد تایید دکترمهرداد جلالیان

ویرایش انگلیسی الاصل (American English, British English)

(توسط ویراستاری که مقالات آموزشی انگلیسی دکتر مهرداد جلالیان را ویرایش می کند)

تماس با نشریه پزشکی الکترونیک, جهت کسب اطلاع تکمیلی:

وبسایت: <http://www.PezeshkElectronic.IR>

ایمیل: Contact@PezeshkElectronic.IR

نشریه بین المللی پزشکی الکترونیک, حاوی اخبار پزشکی, علمی و پژوهشی, اطلاع رسانی کنفرانسها و همایشهای داخلی و خارجی, بورسیه ها و شغلها و موقعیتهای آموزشی و پژوهشی, ستون مطالب آموزشی مرتبط با روش تحقیق و مقاله نویسی.

شیوه: خبری, تحلیلی, آموزشی, پژوهشی و اطلاع رسانی

تاسیس: 1386 **شاپا:** 2008-0913

شروع مطلب:

قبلا درمورد روش نگارش جمله به جمله یک ابستراکت از نوع Structured abstract برای مقالات اورجینال مطلبی آموزشی هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی منتشر کرده بودم که آن مطالب بر روی وبسایتم قابل دانلود هست. درمورد روش نگارش و سازماندهی جملات بخش کانکلوزن یک مقاله اورجینال هم ایده هایی را مطرح کرده بودم. با اینحال درمورد بخش مقدمه مقاله هنوز مطلبی را که بصورت منسجم به این بخش مهم از مقاله اشاره کرده باشد منتشر نکرده بودم.

نگارش مقدمه یا Introduction برای یک مقاله اورجینال, امری بسیار مهم است. دربخش اینتروداکشن, نویسنده مقاله بصورت مستقیم و غیر مستقیم در ذهن خواننده مقاله یا داوری که قرار است مقاله را در مجله ای داوری بکند این نکته را به تصویر می کشد که چه ضرورت و اهمیتی برای انجام آن پژوهش و نگارش آن مقاله وجود داشته

است. بنابر این لازم به توضیح تکمیلی من نخواهد بود که اهمیت بخش اینتروداکشن یک مقاله اورجینال بسیار حیاتی و در تصمیم داوران و سردبیران مجلات برای رد یا قبول آن مقاله نقشی اساسی ایفا می کند. علاوه بر آن، براساس تجربیات چندین ساله ام به این نتیجه رسیده ام که بخش مقدمه یا اینتروداکشن در بسیاری از مقالات اورجینال حاوی اشکالات و اشتباهات مکررا و شایعا رخ داده ای است که باید از آن اشتباهات هم پرهیز بشود.

هدف از تدوین این مطلب آموزشی، ارائه فرمولی براساس تجربیات شخصی اینجانب است تا پژوهشگران محترم در هر رشته ای که فعالیت می کنند، در صورتی که بخواهند مقاله ای اورجینال نگارش کنند، از این فرمول استفاده نمایند تا اطمینان حاصل بشود که بخش اینتروداکشن مقاله اورجینال ایشان هر آنچه که باید به آن اشاره کرده باشد را اشاره کرده است و هر آنچه که باید از آن پرهیز کرده باشد را از آن پرهیز کرده باشد، و فی المجموع، مقدمه ای با ارزش و معتبر برای مقاله اورجینال خودشان تدوین و سازماندهی کرده باشند که شانس پذیرش مقاله را در مجلات معتبر افزایش داده باشد و احتمال آنکه داوران مجله نسبت به بخش مقدمه مقاله ایشان که از بخشهای خیلی مهم در تعیین پذیرش یا عدم پذیرش یک مقاله است، حساسیت کمتری بخرج بدهند و به قول خودمانی، به اینتروداکشن مقاله گیر ندهند.

منتهی قبل از آنکه بصورت عملی و اختصاصی وارد بحث بشویم و روش و فرمول پیشنهادی خودم را برای تدوین یک اینتروداکشن ارزشمند معرفی کنم، لازم است به یک نکته بسیار حیاتی که در بالا هم اشاره کردم با شرح مفصل تری بپردازم.

نکته مهمی که اینجا می خواهم براساس تجربیات خودم یادآوری بکنم این است که مهمترین عامل تعیین کننده این که یک مقاله اورجینال قابلیت انتشار و پذیرش در چه سطحی از مجلات را دارد، همین مقدمه مقاله است و نه برخلاف آن چیزی که ممکن است فکرش را بکنیم، بخش متدلوژی و یا یافته های مقاله باشد. من می دانم که الان خواننده محترم این مطلب آموزشی حتما سوپرپرایز شده است که چطور ممکن است نویسنده این مقاله که همیشه به متدلوژی صحیح و بی نقص پژوهش هایی که در پشت یک مقاله است اهمیت می دهد، بخش اینتروداکشن یک مقاله را که صرفا یک مقدمه و اینتروداکشنی برای شروع و ورود به اصل مطلب است بر متدلوژی و بر آنالیز ویافته های پژوهش در مقاله مربوطه ترجیح می دهد و در مکانی بالاتر قرار می دهد؟

برای اینکه این اهمیت را بزبان ساده تری بیان کرده باشم، بگذارید یک مثال خیلی خیلی ساده و عینی بزنم. فرض کنیم که ما الان در یک اتاق کنفرانس دور هم نشستیم. این اتاق به بیرون هم پنجره ندارد و معلوم نیست که الان بیرون از این اتاق، خورشید پشت ابر است آنکه هوا آفتابی است.

یکی از حاضرین از من می پرسد که آقای دکتر، بنظر شما الان بیرون هوا آفتابی است یا ابری است؟ من هم از آنجایی که می خواهم پاسخ را خیلی علمی داده باشم، چند فرایند متدلوژیک خیلی پیشرفته را معرفی می کنم و میگویم ابتدا به فلان متغیر رسیدگی کنیم و اندازه آنرا در فلان معادله قرار داده و لگاریتم نبرین بگیریم و انتگرالش را هم محاسبه کنیم و ببینیم که اگر عدد مربوطه در زیر سطح منحنی حد منهای بینهایت تا بعلاوه بی نهایت قرار گرفت یعنی اینکه هوا ابری است و در صورتی که در فلان نقطه مشخص قرار گرفت یعنی اینکه هوا آفتابی است و اگر بالای سطح منحنی قرار گرفت یعنی اینکه هوا تاریک است.

بعد یک نفر از آخر سالن با خنده و تمسخر داد می زند که: این مسخره بازیها چیست؟ اصلا موضوع اینقدرها هم مهم نیست. الان دراین لحظه برای ما چه اهمیتی دارد که خورشید الان پشت ابر است یا آنکه چند دقیقه قبل یا بعد از این لحظه پشت ابر باشد یا نباشد؟ تازه بفرض هم که چنان چیزی اهمیت داشته باشد، کاری ندارد که، من همین الان به نیم دقیقه می روم بیرون ساختمان و برایتان خبر می آورم که بیرون چه خبر است.

موضوعی که در این مثال اشاره کردم این است که مهم این نیست که ما چقدر متدلوژی کارمان پیشرفته باشد و با چه تکنیکهای پیشرفته ای اقدام به آنالیز داده های خام یک پژوهش کرده باشیم. البته آنها هم مهم هستند ولی درجای خودشان. و جای خودشان هم آنجا است که ما زمانی از آن ها استفاده کنیم که لازم به استفاده از آنها باشد. یعنی اینکه اگر اصولا ما بدانیم سوالی که به دنبالش هستیم ارزش کار کردن دارد یا نه؟ آیا آن نا دانستنی ما در یک موضوع مشخص ارزش وقت صرف کردن برای تبدیل آن به موضوعی دانسته شده را دارد یا خیر؟

درمقالات اورجینال هم دقیقا به همین شرح است. فرض کنیم که یک پژوهشی انجام داده باشیم که براساس متدلوژی پیشرفته باشد و کاملا صحیح و استاندارد انجام شده و آنالیز آماری چند متغیره هم روی آن با بهترین کیفیت انجام داده باشیم. حتی مقاله ای بسیار حرفه ای و استادانه هم برایش نگارش کرده باشیم. اولین سوالی که در ذهن سردبیر یا داور مجله ای که این مقاله را دریافت می کند پدیدار می شود این است که اصلا آیا این پژوهش ضرورتی بر انجامش بوده است یا خیر؟

بنابراین داور مجله ابتدا به سراغ این نکته اساسی می رود. اگر ببیند که در بخش مقدمه مقاله تان که دقیقا مکانی است که شما باید به ضرورت اجرای پژوهش مربوطه اشاره کرده باشید، نتوانسته باشید که ضرورت انجام پژوهش را با دلایل منطقی بیان کرده باشید، اصولا به دنبال مطالعه بخش متدلوژی مقاله شما هم شاید نرود و شاید حتی انگیزه ای برای مطالعه یافته های پژوهش شما هم نداشته باشد.

اینکه سوال پژوهش چقدر مهم بوده باشد، اینکه آن پژوهش به چه سوال یا نادانسته مهم رسیدگی کرده اس، مهمترین چیزی است که تعیین می کند که یک مقاله بصورت ذاتی قابلیت ارسال به مجلاتی در سطح مجلات پیشروی علم و معتبر ترین مجلات جهان در همان فیلد را دارد یا خیر. البته این به شرطی است که متدلوژی بکاررفته و آنالیزهای یافته های خام هم با روش های قابل قبول و معتبر و بی نقصی اجرا شده باشد. ولی شرط اساسی همان نکته مهمی است که در اینتروداکشن مقاله باید به آن اشاره بشود.

بیشتر از این مقدمه سرایی نمی کنم و به فرمول پیشنهادی خودم می پردازم. فرمولی که در زیر برای بخش مقدمه مقاله شما نوشته ام ممکن است برای همه انواع مقالات اورجینال در همه انواع مجلات کاربرد نداشته باشد چراکه ممکن است برخی از مجلات اختصاصا از نویسنده خواسته باشند که در بخش مقدمه مقاله شان به آیتمهای مشخص دیگری هم و منجمله بصورت دسته بندی شده به مرور ادبیات پژوهش و یا به سایر نکات دیگر هم پرداخته باشد. ولی این فرمول که معرفی می کنم احتمالا برای عمده مقالات اورجینال با اندکی تغییر کاربرد خواهد داشت.

بهتر است این بخش را در چند پاراگراف کوچک تنظیم کنید که ساب هدینگهای زیر را داشته باشد. همانطور که می بینید به بخش مقدمه شماره یک را اختصاص داده ام و همین بخش خودش به سه زیر بخش به نامهای بگگراند، استیتمنت پرابلم، و ابجکتیوها تقسیم شده است.

1. Introduction

1.1. Background

XXXX

1.2. Statement of the problem

XXXX

1.3. Objectives

XXXX

بخش اول. بکگراند:

در بخش یک گراند، یک پاراگراف باید حضور داشته باشد که در آن به صورت عمومی به موضوع پرداخته آید و موضوع را مطرح کرده آید. به سابقه موضوع بصورت خلاصه اشاره می کنید. در این بخش می‌توانید به چند رفرنس هم ارجاع بدهید. بهتر است این بخش بیش از یک یا دو پاراگراف نباشد و داستان بافی و بی ربط گویی و از همه جا سخن گویی نکرده باشید.

بخش دوم. استیتمنت پرابلم:

در این بخش به معرفی مشکل می پردازید. یعنی همان مشکلی که وجود داشته است که شما را مجاب کرده است که این پژوهش را انجام بدهید. این مشکل را باید با ذکر آمار و ارقام و ارجاع به پژوهش های قبلی که قبلا انجام شده است معرفی کنید. و یا آنکه اگر نادانسته ای در این موضوع وجود داشته است (Gap in knowledge) و لازم بوده است که پژوهشی انجام بشود که به پاسخ آن نادانسته برسد، باید مشخص کنید که چرا رسیدن به آن پاسخ دارای اهمیت بوده است. اگر مشکل شما به وجود یک نقص در یک سیستم یا به یک نقطه ضعفی که نیاز به اصلاح دارد اشاره کرده است، در آن صورت به آمار و ارقام هم اشاره کنید که نشان بدهد که این مشکل یا نقطه ضعف یا نقص به چه میزان و اندازه بزرگ و مهم بوده است و تداوم آن مشکل و یا ضعف یا نقص در آن سیستم باعث چه مشکلات و یا افزایش هزینه ها و یا عوارضی هست که برای رفع همه آنها لازم بوده است که این پژوهش انجام بشود که راهکاری برای رفع آنها پیدا کند؟ این بخش را در یک یا حد اکثر دو پاراگراف تنظیم کنید. خواننده بعد از مطالعه این بخش شما باید بصورت غیر مستقیم درک کند که واقعا انجام این پژوهش بر روی این جامعه مطالعاتی ضروری و لازم بوده است. بنابراین در اینجا ضمن آنکه باید به رفرنسهای ارجاع بدهید، آن رفرنسها هم باید به مقالاتی که پژوهشهایی در سطح جهانی ویا سایر کشورها وجامعه های مطالعاتی بوده است اشاره کند و هم آنکه به رفرنسهایی که در جامعه مطالعاتی مورد نظر شما ویا نزدیک به آن ویا کشور ایران یا کشورهای منطقه هم اشاره کند. صرفا لیست برخی رفرنسها و نتایج آنها کافی نیست بلکه باید این بخش را آنچنان هنرمندانه پشت سر هم بسازید که یک سیر جریان شفاف و واضح را نشان بدهد و درهم و برهم نباشد. تمام جملات این بخش باید پشت سر هم و در راستای رسیدن به یک هدف باشد. بنابراین ابتدا از مشکل یا نادانسته در سطح جوامع بزرگتر و جوامع دیگر شروع می کنید و سپس به وجود مشکل در جامعه مورد مطالعه خودتان می پردازید.

اگر بخواهم همین بخش استیتمنت پرابلم را هم برایتان فرمول بدهم که همین بخش را هم چطور تدوین کنید، فرمل زیر بهترین فرمولی است که به ذهنم می رسد:

یک. ابتدا مشکل را تعریف کنید یعنی Definition of the problem. این کار را در یک تا دو جمله می توانید بنویسید. در این بخش حتما به رفرنس ارجاع بدهید.

دو. بعد از معرفی مشکل، در چند جمله بصورت واضح و شفاف به اهمیت وجود آن مشکل یعنی Importance of the problem بپردازید. در ادامه در چند جمله کوتاه به عوارض ناشی از ادامه یافتن مشکل بپردازید. در این بخش حتما به رفرنس ارجاع بدهید.

سه. در ادامه در چند جمله خیلی کوتاه به راه های موجود برای برطرف کردن مشکل بپردازید یا Approach to the problem. در این بخش به رفرنس ها ارجاع بدهید. در صورتی که تناقضات یا ابهاماتی وجود دارد آنها را اعلام کنید. هرچایی که لازم باشد حتما به رفرنسها و امارها ارجاع بدهید.

بخش سوم. اهداف پژوهش:

در این بخش به هدف جنرال پژوهش یا General objective اشاره کنید. جنرال ابجکتیو یا همان هدف عمومی شما , دراصل دوباره نویسی عنوان مقاله تان است و خیلی همخوانی با آن دارد و ممکن است تفاوت‌هایی جزئی در افعال و فاعل و مشابهم داشته باشد. متأسفانه یکی از اشتباهات شایع این است که پژوهشگران محترم می آیند و در این بخش به اهمیت پژوهش و به فواید پژوهش می پردازند و در اینصورت ممکن است که داور مقاله در مجله مربوطه اینطور در ذهنش به تصویر در آید که گویا پژوهشگر محترم حتی بامعانی ابجکتیوهای پژوهش که از الفبای پایه پژوهش است هم آشنا نیست. بعد از ارائه هدف جنرال پژوهش (در یک جمله) , می توانید اهداف اختصاصی یا Specific objectives را هم بصورت پشت سرهم و در داخل یک یا دو یا چند جمله بعدی بیاورید و یا آنکه آن اهداف را بصورت لیست شده و دسته بندی شده ارائه دهید.

یکی از روشهای نگارش ابجکتیوهای پژوهش که آخرین بخش از اینتروداکشن یک مقاله اورجینال است می تواند به شکل زیر باشد:

The general objective of the research was to XXXX. The Specific objectives of the study were XXX, XXX, XXX, and XXX.

روش دیگر هم می تواند به شکل زیر باشد:

The general objective of the research was to XXX. The followings were set as the specific objectives of the study:

- To determine the relation between XXX, and XXX
- To determine the prevalence of XXX
- To assess the effectiveness of XXX on XXXX
- To compare XXXX
- To determine the XXXX

پژوهشگر محترم حتما باید توجه و دقت فراوان در نگارش صحیح ابجکتیوها بنماید. باید حتما به تعداد هایپوتزهایی که در پژوهش داشته است (وگاهی بیشتر از تعدادهایپوتزها), اسپسیفیک ابجکتیو هایی را در اینجا لیست کند. یعنی اگر مثلا یک تست کای اسکوتر انجام داده و دو تست پیرسون انجام داده است باید حتما حد اقل سه عدد اسپسیفیک ابجکتیو (اگر نه بیشتر) را در اینجا لیست کند. در مورد هایپوتزها و انواع آنها, تناظر بین تعداد هایپوتزها و اسپسیفیک ابجکتیوها و روش نگارش دقیق ابجکتیوهای پژوهش و هایپوتزها نکاتی پایه ای را قبلا در وبسایتم منتشر کرده ام که پیشنهاد می کنم که قبل از آنکه بخش ابجکتیوهای مقالات تان را نگارش کنید حتما آن چند فایل پی دی اف آموزشی را که مربوط به این قسمت است و قبلا منتشر کرده ام را دانلود و مطالعه بفرمایید.

برخی از مجلات ممکن است از نویسندگان درخواست کرده باشند که هایپوتزها را معرفی کرده باشد. در چنان حالتی, دیگر نیاز به معرفی اسپسیفیک ابجکتیوها درمقاله نخواهد بود و بجای اسپسیفیک ابجکتیوها می توان هایپوتزها را پرزانته کرد. برخی از مجلات هم البته ممکن است بخواهند که جنرال ابجکتیو را در انتهای اینتروداکشن بیاورید و بدون ذکر اسپسیفیک ابجکتیوها, هایپوتزهایی را که آزموده اید را در بخش متدلوژی و یا در بخش یافته های مقاله (بسته به مورد و بسته به فورمت مجله و روتینهای هر مجله) معرفی بکنید.

در پایان، امیدوارم مطلبی را که امروز در زمینه اهمیت و روش نگارش اینتروداکشن یک مقاله اورجینال و براساس تجربیات شخصی خودم نگارش کرده ام، ایده های مفیدی به پژوهشگران محترم در ارتقای کیفیت مقالات اورجینال شان و افزایش شانس پذیرش مقالات شان در مجلات معتبر داده باشد.

مهرداد جلالیان

پایان مطلب

رعایت اخلاق انتشار: این مستند تا اطلاع ثانوی برایگان توزیع می شود. هرگونه کپی برداری از بخشهایی یا تمام این مستند ممنوع است. استناد به مطالب این مستند با ذکر کامل نام نویسنده و آدرس وبسایت نویسنده و ارجاع صحیح به مستند بلامانع است.

خواهش و یادآوری: پژوهشگر محترم و خواننده این مستند آموزشی، با عرض پوزش، امکان پاسخگویی به سوالات اختصاصی شما از طریق ایمیل و یا راهنمایی اختصاصی بر روی ارتقای کیفیت مقاله یا هر نوع همکاری علمی دیگر مرتبط با موضوع مستند منتشر شده، حتی در قبال دریافت حق الزحمه وجود ندارد. خواهشمند است از ارسال هر گونه ایمیل و درخواست همکاری پژوهشی به نویسنده این مستند آموزشی خود داری شود.